

نگاهی آینده‌پژوهانه به تحولات ایران

سه سناریو برای آینده ایران



چرا «آینده‌پژوهان
سکولار» هیچ‌گاه
نتوانستند آینده
ایران را به درستی
پیش‌بینی کنند؟



● دکتر رضا غلامی
رئیس موسسه مطالعات فرهنگی و
اجتماعی وزارت علوم

دکترای اندیشه‌سیاسی و رئیس
مؤسسه مطالعات اجتماعی و فرهنگی
سه نوع آینده‌پژوهی داریم؛ ۱. آینده‌پژوهی
علمی ۲. آینده‌پژوهی فلسفی از جنس
فلسفه تاریخ ۳. آینده‌پژوهی دینی و
آرمانی.

رایج‌ترین آینده‌پژوهی «آینده‌پژوهی
علمی» است که مبتنی بر پوزیتیویسم
منطقی است. لازمه شکل‌گیری

آینده‌پژوهی علمی، وجود اطلاعات
شفاف، فراگیر و روزآمد و یا امکان
دسترسی آزاد به چنین اطلاعاتی است.
آینده‌نگری علمی صرفاً یک گمانه‌زنی با
درجات احتمالی کم و زیاد است؛ یعنی
نه می‌خواهد درباره آینده سخن قطعی
بگوید و نه می‌تواند چنین کاری را انجام
دهد. به رغم آنکه آینده‌پژوهی علمی با
رشد خوبی همراه بوده و موفقیت‌هایی
هم داشته است اما نباید از نظر دور
داشت که آینده‌نگری علمی، قادر به فهم
صحیح جوامع نامنظم و پیچیده نیست و
معمولاً درباره آنها به قضاوت‌های موفقی
دست پیدا نمی‌کند.

یکی دیگر از راه‌های آینده‌پژوهی، صحبت
از آینده از طریق «فلسفه تاریخ» است.
فلسفه تاریخ خود به دو نوع قابل تقسیم
است: «فلسفه تاریخ مدرن یا علمی» و
«فلسفه تاریخ پیشامدرن یا برهانی». در
فلسفه تاریخ مدرن، حرکت فیلسوف
عمدتاً از جزئی به کلی در جهت ساخت

قوانین تاریخی است. اما در فلسفه تاریخ
پیشامدرن، حرکت فیلسوف تاریخ،
ساخت قوانین کلی عقلی و عرضه آن
به تاریخ برای صحبت از آینده است. در
هر دو فلسفه تاریخ، قوانینی اجتماعی
پیش‌روی ما است که می‌توان بر اساس
این قوانین درباره وضع کنونی قضاوت
کرد. البته قطعیت بیشتر در فلسفه تاریخ
پیشامدرن مطرح است و فلسفه تاریخ
علمی چندان مدعی قطعیت نیست.
راه سوم برای آینده‌پژوهی، راه «دینی
و آرمانی» است. آینده‌پژوهی دینی و
آرمانی هم به دو نوع قابل تقسیم است:
«آینده‌پژوهی دینی کلی و غیرمصادقی»
و «آینده‌پژوهی جزئی مصادقی». «آینده‌پژوهی کلی و غیرمصادقی شباهت
زیادی به «آینده‌پژوهی فلسفه تاریخی از
نوع برهانی» دارد با این تفاوت که وحی
به صورت جدی به مدد عقل می‌آید و با
هم‌افزایی عقل و وحی قوانینی قطعی
تاریخی ارائه می‌شود تا با عرضه آن

به تاریخ درباره اکنون یا آینده جامعه
قضاوت شود. در آینده‌پژوهی جزئی و
مصادقی، بحث لزوماً بر سر قوانین الهی
یا سنت‌های الهی تاریخی نیست بلکه
بحث بر سر پیشگویی‌هایی است که
وحی یا سنت به صورت جزئی و مصادقی
درباره آینده ارائه می‌کند و در صورت
قطعی بودن سند و تفسیر روشمند و
درست، می‌تواند کاملاً اطمینان‌زا و یقینی
تلقی شود.

در بحث ایران، می‌توان از هر سه راه، برای
آینده‌پژوهی استفاده کرد. البته تاکنون
بیشتر از راه «آینده‌پژوهی دینی و آرمانی»
درباره ایران استفاده شده است. نکته
مهم این است که در این روش، بحث
امدادهای الهی به جامعه مؤمن هم
جدی است. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ
اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا
وَلَا تَخْزَوْنَ» البته بر فرض هم که ایمان و
اخلاص در سطح خوبی هم وجود داشته
باشد و استقامت هم باشد، باز هم از
تعالیم دینی می‌توان اینگونه استنباط
کرد که امداد الهی به جامعه کم‌خرد یا
جامعه کم‌کار تعلق نمی‌گیرد. «إِنَّ اللَّهَ لَا
يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»
بنابراین، آن جامعه ایمانی و با استقامتی
از امدادهای الهی بهره‌مند می‌شود که
چه در علم و چه در عمل، کوتاهی نکرده
باشد.

واقعیت این است که ما در این ۴۳ سال
و حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی،
بارها «امداد الهی» را تجربه کرده‌ایم؛ اما
روشن است که بهشت را به «بهانه»
نمی‌دهند به «بهاء» می‌دهند! بنابراین
نمی‌توان گفت که این امدادها در هر
شرایطی و با هرگونه عملکردی از ناحیه ما
برقرار خواهد بود.

استفاده از راه «فلسفه تاریخ» هم درباره
ایران مسبوق به سابقه است. در این
راه، از بالا به تاریخ نگاه می‌شود و جایگاه
و منزلت انقلاب اسلامی در کل تاریخ
مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. طبیعی است
که در طول سده‌های اخیر، ظهور یک
دولت شیعی مقتدر در ایران با محوریت
ولایت فقیه و مقاومت جدی در برابر
نظام سلطه و فراتر از آن، تغییر برخی
معادلات جهانی توسط انقلاب اسلامی،
چیزی نیست که در نگاه فلسفی به تاریخ
قابل انکار باشد. در چنین نگاهی به
انقلاب، ضعف‌ها هر قدر هم که مهم
باشد، قادر به نفی درخشش تاریخی
انقلاب اسلامی نیست.

اما بحث مادر این مقاله، نه «آینده‌پژوهی
فلسفی» است و نه «آینده‌پژوهی دینی»؛
بلکه قصد داریم با بهره‌گیری از مسیر
«آینده‌پژوهی علمی» قدری درباره آینده
ایران سخن بگوییم.

ابتدا از باب مقدمه به چند نکته اشاره
می‌کنم:

نخست، متغیرهای فراوانی در عرصه‌های
فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی در
آینده‌نگری ایران دخالت دارند.

دوم، ایران به دلایل مختصات
جامعه‌شناختی، جزو کشورها و جوامع
پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر محسوب
می‌شود.

سوم، اطلاعات کافی، فراگیر و روزآمد
درباره کشور ما در دسترس آینده‌پژوهان